



اطهای عهد مغول

(تاریخ پزشکی ایران در هند اسلامی)

نویسنده:

حکیم سید علی کوثر چاند پوری

ترجمه:

سیده جلیله شهیدی

بهار ۱۳۹۲

سرشناسه: چاندپوری، سیدعلی کوثر

عنوان قرارداد: طبای عهد مغولیه، فارسی

عنوان و نام پدیدآور: طبای عهد مغول: (تاریخ پزشکی ایران در هند اسلامی) / نویسنده: حکیم سیدعلی کوثر چاندپوری؛ ترجمه: سیده جلیله شهیدی.

مشخصات نشر: تهران: چوگان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص.

فروست: طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران [ج. ۲۶].

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۸۲-۸۷-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فبا

یادداشت: اردو.

یادداشت: کتاب حاضر در قالب طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران با حمایت و مشارکت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ستاد توسعه

علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب ایرانی، دانشگاه شاهد، مرکز تحقیقات کارآزمایی بالینی طب سنتی منتشر شده است.

موضوع: پزشکی سنتی — متون قدیمی — تا قرن ۱۴

موضوع: پزشکی سنتی — هند

موضوع: پزشکان — ایران — سرگذشتنامه

موضوع: پزشکان — هند — سرگذشتنامه

موضوع: ایران — تاریخ — مغول و ایلخانان، ۱۶-۷۵۶ ق.

شناسه افزوده: شهیدی، سیده جلیله، مترجم

شناسه افزوده: ایران. ریاست جمهوری. ستاد توسعه علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب ایرانی

شناسه افزوده: دانشگاه شاهد. مرکز تحقیقات کارآزمایی بالینی طب سنتی

شناسه افزوده: طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران [ج. ۲۶]

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ج. ۲۶ / ط ۴۳ / R۱۳۵

رده‌بندی دیویی: ۶۱۰

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۱۵۷۵۳



عنوان: طبای عهد مغول (تاریخ پزشکی ایران در هند اسلامی)

ترجمه: سیده جلیله شهیدی

دبیر اجرایی: هما امینی

صفحه‌آرایی: اکبر سعیدی

طراحی جلد: صادق جمالی

ناشر: چوگان

نویس و تاریخ چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۲

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۸۲-۸۷-۱

همة حقوق محفوظ است.

این کتاب در قالب طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران منتشر گردیده است.

مرکز پخش انتشارات طب سنتی ایران: ۰۹۱۹۵۴۰۹۸۹۲

publisherTIM@yahoo.com

طرح چندمرکزی احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران (گام بیست و ششم)

طرح چندمرکزی احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران قصد دارد با جذب حمایت‌های مادی و معنوی مراکز علمی و دانشگاهی در سطوح داخلی و بین‌المللی، در راستای توسعه منطقی و ماندگار مبانی و تاریخ طب سنتی، و در ورای آن، هویت اسلامی و ایرانی این دانش گام‌های مؤثری بردارد.



در حال حاضر، این رویکرد دو جنبه اساسی را دنبال می‌کند: یکی آن‌که با تشکیل ساختاری مجازی و پرهیز از ایجاد تشکیلات متمرکز و پرهزینه اداری، به بازیابی و تربیت نیروهای متخصصی بپردازد که هر یک با تکیه بر توان علمی و تجربی خود بتوانند به سوی یک هدف مشترک گام بردارند؛ دوم آن‌که با ارائه الگویی مناسب از همکاری بین‌بخشی، توأم با اعتماد و سرعت و گرفتار نیامدن در مسیرهای پر پیچ و خم اداری، آثاری را عرضه بدارد که حاصل همکاری چندین مرکز علمی داخلی باشند، زیرا این رویه سبب افزایش مخاطبان و پیوند هر یک بیشتر و نزدیک‌تر دستداران این علم خواهد شد. همچنین، این طرح در نظر دارد با انتشار کتاب‌های مهم و مرجع طب سنتی ایران این میراث فراموش‌شده را احیا سازد و بدین منظور، تصحیح، ترجمه و انتشار کتاب‌های اصیل مبانی آموزشی و کاربردی طب سنتی ایران و آثار مرتبط با آن را در دستور کار قرار داده است.

بیست و ششمین گام این حرکت، انتشار کتاب «**احیای عهد مغول**» که به کوشش خانم سیده جلیله شهیدی ترجمه شده و اینک تقدیم دستداران گرامی حکمت و طب ایرانی می‌شود. در پایان، از همکاران و حامیان طرح در گام بیست و ششم، دکتر ختیا مکی، دکتر محمدحسن عصاره، دکتر زهرا کیاسالاری، دکتر عبدالله بهرامی، دکتر محمدرضا جلالی، دوشن تشکر و سپاسگزاری می‌شود.

دکتر محسن ناصری / مجری طرح

مقدمه ستاد توسعه علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب ایرانی

هر ملتی پیشینه تاریخی خویش را جزیی از هویت خویش می‌داند و از آن به عنوان میراث گرانمایی حفاظت و حراست می‌نماید. رجعت به خویشتن و شناخت ژرف و عمیق از ریشه‌های فرهنگی، تاریخی و علمی در استعلاء و اصلاح جامعه نقش ارزنده‌ای را داراست. از جمله میراث گرانسنگ و تمدن افتخارآمیز ایرانی- اسلامی، غنای دانش پزشکی و وجود علما، فضلا و حکمای شهیر جهانی است. کمتر کسی است که آوازه شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، زکریای رازی و جرجانی و صدها علم دیگر را نشنیده باشد. آثار فاخری چون شفا، قانون، الحاوی و ذخیره خوارزمشاهی قرن‌ها به عنوان مهم‌ترین منابع علم طبابت، خدمات بی‌نظیر و بی‌بدیلی را به بشریت ارائه و موجبات مباحثات ایرانیان در سرتاسر جهان شده‌اند.

سرزمین ایران از نظر تنوع گیاهی به خصوص از منظر گیاهان دارویی، جایگاه منحصر به فردی در جغرافیای گیاهی جهان دارد. براساس نظر گیاه‌شناسان و پژوهشگران علوم مرتبط منابع طبیعی، تعداد گونه‌های گیاهی ایران در حدود ۸۰۰۰ گونه است و تحقیقات دانش‌پژوهان کشور نشان داده است که از این تعداد بیش از ۲۵۰۰ گونه دارای خواص دارویی، عطری، ادویه‌ای و آرایشی و بهداشتی است. مضافاً به اینکه از تعداد کل گونه‌های شناخته شده نزدیک ۱۷۳۰ گونه به عنوان گیاهان بومی ایران (اندمیک) می‌باشند که منحصر در سرزمین ایران رویش کرده و به عنوان یک ظرفیت انحصاری در کشور محسوب می‌شوند.

با التفات به ضرورت راهبردی توسعه گیاهان دارویی و طب ایرانی اسلامی در کشور، مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ در دیداری که با رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی سراسر کشور داشتند بر لزوم تبدیل علم‌گرایی و علم‌محوری به گفت‌وگو میان ملت و علم به بخش‌ها تأکید فرموده و همچنین ترسیم نقشه جامع علمی کشور را به عنوان یک ضرورت ملی به منظور تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور برای رسیدن به رتبه اول علمی منطقه مورد اشاره قرار دادند. علاوه بر آن، معظم له در همان سال طی نامه‌ای خطاب به ریاست محترم جمهور فرمودند: «جناب آقای رئیس جمهور محترم! این گیاهان دارویی و طب سنتی از جمله کارهایی است که می‌تواند باب جدیدی در مسائل کلان مربوط به بهداشت و درمان بگشاید. توجه و اهتمام جنابعالی در این کار بسیار مفید خواهد بود انشاء الله». متعاقب این امر ولایی، با همت دولت محترم و معاون محترم علمی و فناوری ریاست

جمهوری «ستاد توسعه پژوهش و کاربرد گیاهان دارویی و طب ایرانی (سنتی)» در سال ۱۳۸۷ تشکیل و فعالیت خود را آغاز نمود. این ستاد با هدف ارتقاء جایگاه کشور در حوزه گیاهان دارویی، داروهای گیاهی و احیاء طب ایرانی، تدوین نقشه راه، سند راهبردی و سیاستگذاری در سطح کلان، ساماندهی، هدایت و هماهنگی بین نهادهای مرتبط بنیان نهاده شده است.

ستاد مذکور در حوزه عملکردی خود، برنامه‌های راهبردی مختلفی را در دست تهیه و اجرا دارد. از جمله برنامه‌های حمایتی ستاد در حوزه وظایف، احیاء منابع و مدارک طب سنتی ایران شامل کتب و رسالات حکمای ایرانی است که تعداد آنها بر هزاران نسخه بالغ می‌گردد و به عنوان میراثی گرانبها و گنجینه‌ای مکتوب برای محققان در ایران و جهان به شمار می‌آیند. این مجموعه اسناد مشتمل بر کتاب‌های مختلفی در حوزه تشریح، کلیات، مفردات، قرابادین، تشخیص و درمان است. مستند نمودن و تأمل و تدقیق در این آثار، ما را در بازشناسی، صیانت از میراث طب سنتی و گسترش ثبت و نگهداری دانش بومی و روش‌های درمانی طب سنتی مدد خواهد رساند.

گروهی از شیفتگان و علاقه‌مندان به میراث مکتوب گذشته همت عالی مبذول داشته تا تجربیات ارزشمند مشاهیر و مفاخر طب سنتی و ایرانی کشور جمع‌آوری و به عنوان سندی ماندگار و منابعی ارزشمند برای علاقه‌مندان و آیندگان باقی بماند. این گروه با احساس مسئولیتی عمیق کار ترجمه، تدوین و تصحیح این اندوخته‌های علمی و تجربی تاریخی را آغاز نمودند و تاکنون چندین مجلد به زیور طبع آراسته گردیده و نوشتار حاضر یکی از نتایج این اقدام مهم می‌باشد و انشاءالله تعالی نهضت احیاء و نشر آثار مکتوب طب سنتی اسلامی و ایرانی و رجعت به خویشتن خویش ادامه خواهد داشت.

امید است انتشار کتاب حاضر پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای علاقه‌مندان و متخصصین علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب سنتی به ویژه پزشکان جوان خلاق و مستعد در گوشه و کنار میهن اسلامی باشد و به یاری خداوند متعال بتواند در تکوین و درخشش توانایی‌های آنان برای پایه‌ریزی شرایط مطلوب‌تری در آینده طب سنتی ایران، نقشی تاثیرگذار برجای نهد. بی‌شک تهیه و انتشار هر نوشتاری کاری است گسترده که جز از رهگذر تلاش و جدیت جمعی و گروهی میسر نمی‌گردد، از این رو فرصت مغتنمی است که صمیمانه‌ترین سپاس و قدرشناسی خود را از همه سروران و فرهیختگانی که در گردآوری، تدوین، تصحیح، ویرایش و چاپ این مستند کوشا بودند ابراز می‌نماید.

دکتر محمدحسن عصاره

دبیر ستاد توسعه علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب ایرانی

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه مترجم
۱۳.....	مقدمه
۲۷.....	حکیم ابراهیم
۲۷.....	امیر ابوالبقا
۲۸.....	حکیم ابوالفتح گیلانی
۳۹.....	شیخ ابوالفیض فیضی
۴۲.....	حکیم الملک حکیم القاسم گیلانی
۴۴.....	حکیم محمد اجمل خان اول
۴۴.....	حکیم محمد احسن
۴۵.....	حکیم احسن الله خان
۴۵.....	حکیم احمد تهتهوی
۴۹.....	حکیم احمد عرب
۴۹.....	حکیم احمد گیلانی
۵۰.....	حکیم احمد گیلانی
۵۰.....	حکیم اچھے
۵۰.....	حکیم ارسطو
۵۰.....	حکیم اسحق
۵۰.....	معتد الملوک حکیم محمد اسحاق خان
۵۱.....	اسدالله خان طبیب
۵۱.....	حکیم الممالک حکیم اسرائیل
۵۱.....	مولانا اسماعیل عرب
۵۱.....	حکیم سید اصلح الدین
۵۲.....	حکیم آغا جان عیش
۵۲.....	شاهنشاه اکبر
۵۳.....	حکیم محمد اکبر ارزانی
۵۶.....	حکیم اکمل خان
۵۶.....	آلی
۵۶.....	حکیم امام الدین
۵۷.....	حکیم محمد امین
۵۸.....	حکیم محمد امین شیرازی
۵۹.....	حکیم محمد باقر
۵۹.....	حکیم باقر حسن خان
۶۰.....	حکیم بایزید
۶۰.....	برنارد
۶۱.....	دکتر برنی آر
۶۴.....	حکیم بقائی خان

۶۴	بندر ابن جراح
۶۴	بنده علی جراح
۶۵	بهار جیو
۶۵	بھیرون
۶۶	بھیم ناتھہ
۶۶	دکتر کلارک پاتن
۶۶	حکیم تاج الدین
۶۶	حکیم ثناء اللہ خان فراق
۶۷	جالینوس زمان حکیم جبرئیل
۶۸	حکیم سید محمد جعفر
۶۸	حکیم جلال الدین اردستانی
۷۰	حکیم جمالا کاشی
۷۱	چندرسین وید
۷۱	حکیم حاذق
۷۶	حکیم الملک حاذق خان
۷۸	شیخ حسن سرھندی
۷۸	حکیم حسن جمیلانی
۷۸	مقرب خان شیخ حسو
۸۳	شیخ حسین شیرازی
۸۴	حکیم محمد حیات
۸۴	خواجہ خاوند محمود
۸۷	خضر خواجہ خان
۸۸	حکیم خوش حال
۸۸	حکیم خیراندیش خان
۸۹	حکیم داوود تقرب خان
۹۳	درگ مل
۹۳	حکیم دواپی
۹۴	حکیم محمد ذکاء اللہ
۹۴	حکیم رزق اللہ
۹۴	حکیم محمد رضا
۹۴	حکیم محمد رفیع
۹۵	حکیم رگنا کاشی
۹۹	حکیم رگناتھہ
۱۰۰	حکیم روح اللہ
۱۰۲	حکیم زنبیل
۱۰۲	حکیم سبھان
۱۰۴	ستی النساء

۱۰۶	محمد سعید خان
۱۰۶	حکیم سلیم
۱۰۷	سکھانند
۱۰۷	حکیم سیف الملوک دماوندی
۱۰۹	حکیم محمد شریف خان
۱۱۰	حکیم شفائی
۱۱۲	حکیم شفائی خان
۱۱۲	حکیم محمد شفیع
۱۱۳	حکیم شمسایی کاشی
۱۱۳	حکیم الملوک شمس الدین گیلانی
۱۱۵	حکیم شهاب الدین
۱۱۵	ملا شهاب الدین
۱۱۵	یشوجی
۱۱۵	حکیم صادق علی خان
۱۱۶	حکیم محمد صالح
۱۱۶	حکیم صالح شیرازی
۱۱۷	حکیم صدرا
۱۲۱	حکیم ضیاء الدین
۱۲۲	حکیم طلب علی
۱۲۲	مولوی سید ظہور اللہ
۱۲۳	حکیم محمد عادل
۱۲۴	عارف چیلہ
۱۲۴	میرزا محمد عالی شیرازی
۱۲۷	حکیم عبدالرحیم
۱۲۷	حکیم عبدالرزاق نیشاپوری
۱۲۸	حکیم عبدالشکور
۱۲۹	حکیم عبداللہ خان کشمیری
۱۲۹	حکیم عبداللہ گیلانی
۱۲۹	حکیم عبدالمجید صفاهانی
۱۲۹	حکیم عبدالوہاب
۱۲۹	حکیم عزیز الدین
۱۳۰	حکیم عسگری
۱۳۰	وزیرخان حکیم علم الدین
۱۳۳	عابد سرہندی
۱۳۳	حکیم علی گیلانی
۱۳۴	توانایی علمی
۱۳۶	حوض حکیم علی

۱۳۸	سفارت حکیم علی
۱۳۸	اتهام کشتن استاد
۱۳۹	بیماری اکبر شاه و حکیم علی
۱۴۰	دلایل مرگ اکبر
۱۴۳	قوت
۱۴۳	فرزندان
۱۴۴	شاگردان
۱۴۴	تصانیف
۱۴۵	حکیم الممالک علی نقی خان
۱۴۵	حکیم سید عنایت الله
۱۴۶	عین الممالک شیرازی
۱۴۹	حکیم غلام علی خان طبیب
۱۴۹	حکیم غلام محمد خان
۱۴۹	حکیم فاضل خان
۱۵۰	حکیم فتح الله
۱۵۰	امیر فتح الله شیرازی
۱۵۶	حکیم فتح الله گیلانی
۱۵۷	حکیم فخرالدین
۱۵۷	حکیم قغفور لاهیجانی
۱۵۹	سال ۱۰۲۹ هجری
۱۶۰	دکتر ویلیام فلرتون
۱۶۰	حکیم فیروزالدین
۱۶۱	حکیم مولوی فیض علی طبیب
۱۶۱	شیخ قاسم
۱۶۳	حکیم قدرت الله خان قاسم
۱۶۳	مولانا قطب الدین
۱۶۳	حکیم کاظم حسین
۱۶۴	حکیم کمال الدین شیرازی
۱۶۵	کنول نین
۱۶۵	حکیم لطف الله گیلانی
۱۶۵	دکتر مارتین هانینگ بیرگیز (برگز)
۱۶۷	حکیم میر ماشاء الله خان
۱۶۷	مترسین ناگر
۱۶۹	حکیم محمد محسن
۱۷۳	حکیم محمد محسن خان کشمیری
۱۷۳	حکیم محمد بخش
۱۷۴	حکیم محمد بیگ
۱۷۴	شیخ محمد جهان

۱۷۴	حکیم محمد حسین خان
۱۷۵	حکیم محمد علی
۱۷۵	حکیم میرزا محمد علی
۱۷۶	حکیم سید مرتضی
۱۷۶	حکیم مسیح‌الملک شیرازی
۱۷۶	محمد مسیح طبیب
۱۷۶	حکیم مشهدی
۱۷۷	حکیم مصری
۱۷۹	نواب میر معصوم بهکری
۱۸۳	حکیم معصوم خان
۱۸۳	حکیم معصوم علی خان
۱۸۴	حکیم مقیم
۱۸۴	موسی مارتین فرنگی
۱۸۵	حکیم مؤمن خان
۱۸۵	حکیم مومنا شیرازی
۱۸۷	مهادیو طبیب
۱۸۷	حکیم محمد مهدی
۱۸۷	حکیم‌الملک میر محمد مهدی
۱۸۹	ملا میر طبیب هروی
۱۸۹	ملا میر سلطان
۱۸۹	شیخ مینا
۱۹۲	حکیم نجیب‌الدین همام
۱۹۶	نرائن
۱۹۶	میر نظام‌الدین علی خلیفه
۱۹۸	حکیم نعمت‌الله
۱۹۸	حکیم محمد نفیس
۱۹۹	حکیم نورالدین
۱۹۹	حکیم نورالدین
۱۹۹	حکیم نورالدین قراری
۲۰۰	نین سکه
۲۰۰	حکیم واصل خان
۲۰۱	حکیم هادی خان هاشمی عقیلی
۲۰۲	حکیم محمد هاشم شیرازی
۲۰۵	میر محمد هاشم
۲۰۶	هامون فقیر
۲۰۷	فهرست اعلام و اماکن

مقدمه مترجم

تاریخ علم یکی از شاخه‌های مهم تاریخ در عصر حاضر شمرده می‌شود؛ این امر تاریخ طب را نیز در برمی‌گیرد. در آغاز کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمد که بیشتر به علم طب می‌پرداخت. پس از آن رفته‌رفته به کتب فرهنگی و تاریخی طب نیز توجه شد، در حال حاضر اطلاعات دقیق تاریخی بسیاری در علم طب فراهم است.

نگاهداری از تاریخ و ثبت وقایع تاریخی یکی از خصوصیات بارز مسلمانان محسوب می‌شود و می‌توان گفت کمتر مردمی در دنیا به حفاظت از تاریخ خود با چنین دقتی پرداخته باشند. شاید از این رو است که ما امروزه از حال میلیون‌ها عالم، فاضل و دیگر مشاهیر باخبر هستیم. *ممنون الانباء في طبقات الاطباء* از ابن ابی‌اصیبه و *اخبار الحکما* از جمال‌الدین القفطی از جمله این آثار مستند و پرازش به شمار می‌روند. متأسفانه ما امروزه از نام بسیاری از این اطبا که در دوره‌های گوناگون و در کشورهای مختلف پا به عرصه وجود نهادند، به خوبی آگاه نیستیم.

در دوره مهاجرت حکمای ایرانی به شبه قاره (قرن ۱۰ و ۱۱) که دوره شکوفایی علمی در پزشکی محسوب می‌شود، پادشاهان مسلمان مغول در آن سرزمین حکمرانی می‌کردند و با توجه به زبان رسمی دربار که فارسی بود، با آغوش باز از ایشان پذیرایی کردند. بدین ترتیب فضای مناسبی برای پیشرفت طب شکوهمند ایرانی فراهم آمد و اطبا با فراخ بال به تألیف، ترجمه، تحقیق و پژوهش پرداختند.

در دوره نفوذ اسلام در این منطقه هزاران طبیب، جراح ماهر و حافظ در رشته طب ظهور کرده‌اند. اما جز نام چند تن که خود مؤلف آثاری بودند و یا منصبی داشتند از دیگر اشخاص اطلاع چندانی در دست نداریم و اگر باشد آن نیز شرحی مختصر در کتاب‌های تاریخ عمومی است.

در آغاز، «نهضت احیای فن» حفاظت و اشاعه شرح زندگی مشاهیر طب در هند و پاکستان را به عهده داشت. اولین کتابی که در این زمینه توسط این مرکز به چاپ رسید *تاریخ الاطباء* از دکتر غلام جیلانی بود. پس از آن انتشار جلد‌های *رموز الاطباء* در شرح اسامی و فعالیت‌های طبای معاصر بود. سپس شرح حال اطبا و خاندان ایشان در برخی از مجلات طبی به چاپ رسید. ویژه‌نامه‌های خاصی نیز در این زمینه منتشر شد. علاوه بر آن مقاله‌ای نیز از رهبر فاروقی با عنوان «طب اسلامی» منتشر شد که در دو باب آن از تاریخ طب در هند شمالی و دکن ذکر شده است. حکیم اجمل‌خان در زمینه گردآوری شرح حال اطبا نیز تألیفی داشته است. همچنین مولانا شبلی نیز از جمله

نخستین محققان بوده است که دربارهٔ طبای معروف اطلاعاتی جمع‌آوری کرد و در زمینه بیمارستان‌های اسلامی مقاله‌هایی نیز به رشته تحریر درآورد.

پس از او اقدام مهم دیگر از حکیم سید علی چاندپوری بود. وی از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ میلادی سلسله مقالاتی با عنوان «طبای عهد مغلیه» تألیف کرد که تحسین بسیاری را برانگیخت. این مطالب در سال ۱۹۵۹ با مروری دوباره در چاپخانه همدرد آکادمی به چاپ رسید.

جمع‌آوری اطلاعات طبی از کتابهای تاریخی کاری آسان نیست و آن کسی قادر به انجام چنین مسئولیتی است که خود طبیب باشد و از سوی دیگر به تاریخ علاقه‌مند؛ دیگر آنکه مطالب را با ذوق و اسلوب خاصی ارائه دهد. همه این خصوصیات در کوثر چاندپوری مؤلف این کتاب فراهم آمده است.

کتاب *طبای عهد مغلیه* تألیف سید علی کوثر چاندپوری به زبان اردو است. این کتاب در ژوئیه ۱۹۵۵ در بهوپال (هند) به نگارش درآمد و در ژانویه ۱۹۶۰ میلادی برای نخستین بار در کراچی به چاپ رسید؛ اصل این کتاب مشتمل بر ۲۰۸ صفحه است و در آن به شرح زندگی ۱۶۹ طبیب پرداخته که از میان آنها ۳۰ تن ایرانی‌تبار بوده و در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری از نقاط مختلف ایران، گیلان، تبریز، شیراز و غیره به هند مهاجرت کرده‌اند. ترجمه این کتاب در زبان فارسی در تیر ماه ۱۳۹۰ به پایان رسید.

این کتاب در حقیقت شرحی از تاریخ پزشکی ایران در هند اسلامی است و مربوط به طبایی است که در آن زمان از ایران به شبه قاره مهاجرت کردند و در آنجا به پژوهش، خدمات پزشکی و تألیف آثار خود پرداختند. از آنجا که پس از مهاجرت این افراد به هند اطلاع دقیقی از ایشان نداشتیم، ترجمه این کتاب ما را به گونه‌ای با قسمتی از تاریخ طب و بازشناسی شخصیت اطباء، اندیشه‌ها و نوآوری‌های ایشان آشنا ساخت. به عبارت دیگر اطلاعات ارائه شده در این کتاب قسمتی از زنجیره گمشده تاریخ طبای عصر اسلامی در هند را شناسایی کرده است. همچنین در این کتاب به نقش مهم دانشمندان شیعه ایرانی در عصر اسلامی در هند و فعالیت‌های ایشان در زمینه پزشکی و داروسازی اشاره شده است. در پایان، از دوستان و همکارانی که در تدوین کمک بودند، خانم‌ها تهمینه رضائیان، الهه کاویار جوشقانی، وجیهه نامی و آقای اکبر سعیدی سپاسگزارم.

سیده جلیله شهیدی

تهران - پاییز ۱۳۹۱

طب یونانی همان گونه که از نامش می توان دریافت در یونان به وجود آمده است. پدر پزشکی، اسقلبیوس، پایه گذار این فن بود. طی تاریخ بشر متخصصان طب با توجه به نیازهای جامعه و ضروریات اجتماعی، با همه توان به تکمیل و پیشرفت این فن کوشیده اند. به طوری که بقراط که پانصد سال پیش از میلاد مسیح متولد شد، پزشکی را به عنوان رشته ای مستقل و جداگانه معرفی کرد. بقراط نخستین فردی است که فن طب را تدوین کرد و به تألیفات بسیاری در این زمینه پرداخت. جالینوس این پیشرفت ها را به کمال خود رسانید، و حتی گسترش این فن در یونان توسط او به اوج رسید، اما پس از او پیشرفت در این زمینه متوقف شد. پس از آن زمانی رسید که طب یونانی به سرزمین های تحت تسلط اعراب مسلمان وارد شد و در دوره آغازین اسلام، مرکز توجه مسلمانان و تحسین ایشان قرار گرفت. کتاب های نادر و پرارزش یونانیان به زبان عربی ترجمه شد و لباس یونانی از پیکر پزشکی خارج شده و به آن ردای اسلامی پوشانده شد. حدود سی کتاب از بقراط به عربی ترجمه شد. فرمانروایان اموی دمشق نسبت به این فن علاقه عمیقی داشتند. در واقع یک ملت پویا علوم و فنون را از اقوام و ملل دیگر کسب کرده و آن را در چارچوب اجتماعی خود مطابق نیازهای زمان و جامعه خود شکل داده و می سازد و هرگز تعصب ملی یا نژادی یا احساس برتری در ارتقای علمی ایشان تأثیری نمی گذارد. به همین ترتیب اقوام مسلمان نیز در طب یونانی چندان اضافه کردند که با نظری بر آن برخی افراد از سرخوشی و احساس آن را طب اسلامی می خوانند. اما علوم و فنون میراث هیچ کشور یا ملتی نیست، بلکه مانند چشمه ای است که هر لحظه در حال جوشش است و در هر سرزمینی می بالد و نمو و نموی کند و از آن تأثیر می پذیرد. همچون زمینی که در اطراف نهرهای آب قرار دارد و از آن توان و نیرو می گیرد. به همین ترتیب طب یونانی چون رودی از زادگاه خود یونان سرچشمه گرفت و به سرزمین های اسلامی رسید و در آنجا همراه با متأثر ساختن فضا، آب و هوا و محیط، خود تحت تأثیر چیزی قرار گرفت که در آنجا نهفته بوده است. به این ترتیب علم طب به بغداد نیز رسید و در آنجا مراحل پیشرفت و ترقی را چنان طی کرد که حتی در دمشق چنین شرایطی برای آن مهیا نبود. پس از آن این فن به اروپا نیز وارد شد و بدین ترتیب انوار علم و فن که از بغداد سر زده بود، علاوه بر اسپانیا به تاریکی های اروپا نیز نفوذ کرد. بدین ترتیب قانون ابن سینا و کتاب جراحی زهراوی نیز به دروس پزشکی اروپائیان اضافه شد.

علمی هندوستان انتشار می‌یافت. بخش وسیعی از تاریخ طب یونانی در هند به طبیبانی اختصاص دارد که در مراکز علمی ایران تحصیل کردند و سپس به هندوستان بازگشتند و پس از بازگشت به این کشور علاوه بر توسعه وسایل و امکانات درمان پزشکی درس و تدریس را نیز دنبال کردند. به تدریج همه استادان درس و تدریس نیز از ایران به هندوستان آمدند، به طوری که ارزش و احترام این سرزمین به درجه‌ای رسید که از دانشجویان عرب و غیره نیز کسب علم می‌نمود.

حکیم عمادالدین محمود شیرازی و غیاث‌الدین منصور شیرازی به دلیل دانش و کمال خود در ایران بسیار مشهور بودند. شاگردان برجسته این دو استاد به هندوستان آمدند. خواجه خاوند محمود از شاگردان حکیم عمادالدین بود. وی در دوره فرمانروایی همایون به هندوستان آمد. دانشمند و فیلسوف معروف عهد اکبری، شاه فتح‌الله شیرازی از دانش‌پژوهان و شاگردان محضر غیاث‌الدین محمود بود و این همان شخصی است که عالمان بیشماری از هند در حلقه شاگردان وی قرار داشتند. حکیم علی گیلانی که شارح قانون نیز بود طب را از وی آموخت. حکیم احمد پسر قاضی تهته شاگرد کمال‌الدین ایرانی بود.

در عهد حکومت شاه طهماسب حکیم فخرالدین معروف به میرزا محمد در ایران بسیار مشهور بود. پسر وی حکیم صدرا به هندوستان آمد و نزد حکیم علی گیلانی آموختن طب را کامل کرد. حکیم محمد امین از تبریز به هندوستان آمد و پس از رسیدن به برهان‌پور در خدمت خان خانان مشغول به کار شد. برای درک گسترش و تسلطی که جنبش‌های طبی در دوره حکومت مسلمانان در هندوستان از لحاظ فنی به‌دست آوردند، باید به بیشتر از تاریخ این زمان یعنی عهد تغلق بازگردیم و آن را به طور مختصر بررسی کنیم.

بر طبق روایت مقریزی، در عهد حکومت محمد تغلق آنها در شهر دهلی ۷۰ بیمارستان یا درمانگاه موجود بود و تعداد طبیبی که در استخدام حکومت کار می‌کردند به ۱۲۰۰ تن می‌رسید. دوره حکومت محمد تغلق و فیروزشاه به لحاظ پیشرفت علوم طبی و گسترش فراگیر در کشور بسیار درخشان بود، به طوری که فیروزشاه بر شمار بیمارستان‌ها اضافه کرد. این مراکز طبی را می‌توان به راستی مردمی خواند؛ زیرا در آن بدون درنظر گرفتن امتیازات طبقاتی یا مذهبی فقر یا ثروت، خدمات و دارو به صورت رایگان برای همگان فراهم می‌شد. در دوره حکومت لوده‌ی‌ها در حکومت مرکزی دهلی نیز تغییری در این زمینه روی نداد و تألیف و تصنیف همچنان ادامه یافت. «معدن الشفا سکندر شاهی» از تصنیفات این دوره است. این کتاب زمینه‌ای برای آغاز نگارش

کتاب‌های طبی در هندوستان فراهم کرد و پس از آن کتاب‌های بسیار خوبی نوشته شد. در سال ۹۳۲ ه‍.ق هنگامی که بابر پس از پنجمین حمله، هندوستان را زیر تسلط خود درآورد و سلطنت مغول را پایه‌گذاری کرد، حکومت مغولان در هند باب جدیدی از تاریخ طب را آغاز کرد که پیوسته ادامه داشت. بعدها همین باب گسترش یافته و شکل کتاب مستقل و جداگانه‌ای به خود گرفت. بابر به فن طب علاقه عمیقی داشت و دلیل آن یکی نیازهای شخصی بود که هر فرد به طور طبیعی با آن روبرو می‌شود و دیگر به این دلیل که وی پادشاهی با عزمی راسخ و مردم‌دوست بود و می‌خواست که رعایا در رفاه و آسایش به سر برند. از سوی دیگر امرای دربار وی نیز به پزشکی توجه خاص داشتند. میر نظام الدین علی خلیفه از ارکان سلطنت وی محسوب می‌شد و در تاریخ به نام مبرخلیفه شهرت داشت وی علاوه بر آنکه عالمی بزرگ و متفکری شایسته بود، در علم طب نیز تسلط داشت. به همین ترتیب ابوالبقا که در میان امرای بابر از مهارت بسیاری برخوردار بود، در علوم طبی مهارت و تسلط قابل ملاحظه‌ای داشت، علاوه بر آن گروه قابل توجهی از پزشکان در دربار بابر حضور داشتند. از سوی دیگر علاقه ذاتی وی نسبت به این فن چنان بود که متخصصان این فن را از خارج به هندوستان دعوت می‌کرد. به طوری که مولانا یوسفی طبیب برجسته خراسان که در فن نگارش و طبابت از توانایی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود به فرمان بابر از خراسان به دهلی آمد. کتاب منظومی از وی با نام «رباعیات یوسفی» از تصنیف‌های برجسته فارسی در آن عهد به شمار می‌رود. اگرچه بابر تخت سلطنت را از دهلی به آگرا منتقل نمود اما این اقدام او در شکوه طبی دهلی خللی وارد نساخت بلکه بر عظمت آن نیز افزود. پس از بابر جانشینان فرمانروایی مغول نیز به این فن توجه بسیار داشتند. از میان ایشان هیچ‌یک نسبت به بیمارستان‌ها و دیگر خدمات پزشکی غفلت نورزید بلکه توجه کامل خود را به این سو معطوف نمود. در عهد حکومت همایون اساس سلطنت مغول به تنها به لرزه درآمد بلکه برای مدت کوتاهی نیز منهدم شد و نور جدیدی در آسمان حکومت اینجا درخشیدن گرفت. این مدت کوتاه اما درخشان از اهمیت ویژه‌ای در تاریخ برخوردار است، به طوری که بخشی از تاریخ طب تحت تأثیر دوره همایون قرار گرفته است. در همین دوران طبیب مشهور خواجه خاوند محمود به هندوستان آمد، در مورد وی گفته می‌شود که وی شاگرد طبیب برجسته شیراز مولانا عمادالدین محمود شیرازی بود. از اینجا ما به نقطه‌ای از تاریخ طبی مغول دست می‌یابیم که حلقه اتصال زنجیر طلایی نقش اتصال دهنده زنجیر طلایی تذکره طبی است. پس از وفات همایون، فرزند با استعداد، مشهور و نیک‌اقبال او جلال‌الدین محمد اکبر وارث تخت سلطنت شد. دوره حکومت وی را

می‌توان در واقع به جوانی سلطنت مغول تشبیه کرد. در آن هنگام حکومت مغولان رشد کرده و اقتدار و عظمت ایشان به پایه تکمیل رسیده بود. عهد نخست گذشته را می‌توان به کودکی و عهد آینده را به دوره میانسالی تعبیر کرد. اگرچه اورنگزیب حدود و وسعت سلطنت را افزایش داد اما چون آفتاب لب بام بود و انوار حکومت او رو به افول می‌نهاد، در عهد اکبری کشور از نظر فرهنگی و علمی به پیشرفت قابل توجهی دست یافت به طوری که اثر آن تاکنون باقی مانده است. اکبر پادشاهی علم دوست و قدرشناس بود و همین خصوصیت وی افراد برجسته و مجرب را از ایران و توران به سوی هندوستان کشاند. از میان افرادی که در آن زمان به هندوستان آمدند گروه بیشماری از طبیبان را شامل می‌شدند.

ابوالفضل در *آیین اکبری* فهرستی از اطبا درج کرده است. در آن نام ۲۹ طبیب هندو و مسلمان دیده می‌شود. به همه این افراد از سوی خزانه حکومت مقرری یا حقوق تعلق می‌گرفت. برای برخی از آنها منصب نیز مقرر شده بود. به نظر می‌رسد که علاوه بر اینها افراد دیگری نیز به طبابت مشغول بودند که با دربار رابطه‌ای نداشتند. اکثر اطبا علاوه بر کارهای تخصصی به اداره امور کشوری و لشکری مشغول بودند. برخی از آنها در جراحی و چشم‌پزشکی شهرت داشتند.

فهرست ابوالفضل در *آیین اکبری* شامل این افراد است:

- ۱- حکیم الملک؛ ۲- حکیم مصری؛ ۳- ملا طبیب هروی؛ ۴- حکیم ابوالفتح گیلانی؛ ۵- حکیم زنبیل؛ ۶- حکیم علی گیلانی؛ ۷- حکیم حسن گیلانی؛ ۸- حکیم ارسطو؛ ۹- حکیم فتح‌الله؛ ۱۰- حکیم مسیح الملک؛ ۱۱- حکیم جلال‌الدین مظفر؛ ۱۲- حکیم لطف‌الله؛ ۱۳- حکیم سیف‌الملک؛ ۱۴- حکیم همام؛ ۱۵- حکیم عین‌الملک؛ ۱۶- حکیم شفائی؛ ۱۷- حکیم نعمت‌الله؛ ۱۸- حکیم دواپی؛ ۱۹- حکیم طلب علی؛ ۲۰- حکیم عبدالرحیم؛ ۲۱- حکیم روح‌الله؛ ۲۲- حکیم فخرالدین علی؛ ۲۳- حکیم اسحق؛ ۲۴- حکیم حسن پانی بتی؛ ۲۵- حکیم مینا؛ ۲۶- مهادیو؛ ۲۷- بهیم نات؛ ۲۸- مزائن؛ ۲۹- شیوجی.

با ملاحظه به این فهرست می‌توان دریافت که در عهد اکبری وسایل پزشکی تا چه اندازه منظم و با قاعده بود و تا چه حد به پزشکان اعتماد می‌کردند. افرادی که برای انجام فرایض لشکری و کشوری به خارج اعزام می‌شدند؛ در ضمن انجام وظایفی که به آنها محول می‌شد از خدمات طبی به مردم نیز غافل نمی‌شدند. به‌طور کلی بزرگان این رشته معتقد بودند که خدمت به تنگدستان در مقایسه با ثروتمندان از دیدگاه اخلاقی و مذهبی دارای ارزش بیشتری است. به این دلیل بعید به نظر می‌رسد که مردم فقیر از

نظر ایشان دور مانده باشند. در واقع آنها در دستگیری و کمک به افراد تهیدست و فقیر علاقه بسیاری از خود نشان می‌دادند و قسمت بزرگی از درآمد خود را برای کمک به ایشان صرف می‌کردند. علاوه بر درمانگاه‌ها و بیمارستان‌هایی که از سوی دولت وجود داشت بیشتر اطباء دارای مَطَب شخصی نیز بودند که به عنوان یک مرکز جداگانه به امور نیازمندان رسیدگی می‌کردند و بیماران داروی مورد نیاز خود را به راحتی از آنجا به دست می‌آوردند. علامه فیضی برادر بزرگ ابوالفضل، در طب تسلط بسیاری داشت و مطب داشت و به درمان رایگان نیازمندان می‌پرداخت. هنگامی که وضعیت مالی او بهتر شد، برای بیماران داروی رایگان نیز فراهم کرد. به دنبال آن بیمارستانی نیز برپا کرد که در آن علاوه بر دارو، غذا نیز برای بیماران فراهم می‌شد.

حکیم علی کیلانی طبیب بسیار محبوب و مورد اعتماد دربار اکبرشاه بود. وی سالانه ۶ هزار روپیه برای تهیه داروی بیماران صرف می‌کرد. علاوه بر خدمات پزشکی دولتی، به درمان شاهزادگان و امرای دربار نیز می‌پرداخت. مریم مکانی طبیب بسیار توانا و ماهری بود که در حکومت شاهزاده مراد و دولت دانیال خدمت می‌کرد. او گاهی همراه با شاهزادگان از نقاط مختلف کشور بازدید می‌کرد. در عهد سلطنت اکبر، اطباء بسیاری در سراسر کشور مشغول به خدمت بودند که علاوه بر مهارت در رشته‌های عملی طب، به دیگر شاخه‌های آن نیز علاقه‌مند بودند، چنانکه به داروسازی که بخش بسیار مهم طب می‌باشد، توجه بسیاری مبذول می‌شد. در *اکبرنامه*، *منتخب التواریخ* و *طبقات اکبری* و کتاب‌های دیگر به فن داروسازی به طور صریح اشاره‌ای نشده است و از آنها نمی‌توان دریافت که تا چه اندازه پیشرفت در این بخش صورت گرفته است. این موضوع در مورد دیگر کتاب‌های تاریخی نیز صادق است. به طوری که یک دانشجوی دقیق با توجه به شواهد پراکنده به بررسی مطالب گوناگونی که در تاریخ داروسازی عهد مغول وجود دارد می‌تواند به نتایج مفیدی در این زمینه دست یابد. از آغاز سلطنت مغول تا زمان انهدام آن کتاب‌های فرهنگ دارویی متعددی نگاشته شده که در آنها اوزان داروها با احتیاط بسیاری ثبت شده است. در این عهد دستاوردهای نوین دیگری در این رشته به دست آمده است که تفصیل آن در ادامه بیان می‌گردد. نخست مایلیم در مورد علاقه پادشاهان مغول به سلامتی مردم به طور جداگانه توضیح دهیم. زمانی که جهانگیر به جای پدر بر تخت سلطنت جلوس کرد، ۱۲ حکم صادر نمود که در تاریخ به «احکام دوازده گانه» معروف است. یکی از آنها توصیه بسیار روشن و سخاوتمندانه‌ای در

مورد بیمارستان هاست. به طوری که در توزک آمده است: «در شهرهای کلان دارالشفاهای ساخته به جهت درمان بیماران تعیین نمایند»^۱.

در عهد شاه جهان نیز این وضعیت همچنان برقرار ماند و مردم از بهترین تسهیلات پزشکی بهره‌مند شدند. مراکز طبی علاوه بر مرکز در اطراف نیز تأسیس شدند. به طوری که میر محمد هاشم برای اداره بیمارستان در احمدآباد منصوب شد.

وزیرخان حکیم علم‌الدین از طبیبان بسیار مشهور عهد شاه‌جهان بود. وی از اهالی شهر چنیوت از استان پنجاب بود. شاه‌جهان به مهارت و قابلیت وی اعتماد کامل داشت. هرگاه شخصی از خاندان شاهی بیمار می‌شد، علم‌الدین را برای معالجه وی مقرر می‌ساختند و اگر در چنین مواقعی در بیرون از پایتخت بود، او را به دهلی فرامی‌خواندند. وزیرخان در شهر چنیوت بیمارستانی در کنار منزل و مدرسه خود بنا نهاد که برای مردم عوام وقف شده بود. در ناحیه سورت حکیم مسیح‌الزمان منصوب شده بود. حکیم مؤمن شیرزی و حکیم داوود تقرب‌خان نیز از جمله اطباء حاذق و توانا محسوب می‌شدند. این دو تن در رشته خود از شهرت بسیاری برخوردار بودند. شاه‌جهان بیمارستانی در ضلع غربی مسجد جامع دهلی به سمت شمال تأسیس کرده بود که در آن اطباء برجسته‌ای مشغول به کار بودند. در این بیمارستان داروهای مجانی در اختیار بیماران قرار می‌گرفت. در عهد شاه جهان خانمی به نام ستی‌النساء وجود داشت که طبیب بسیار برجسته‌ای بود و علاوه بر معالجه در پرستاری از بیماران نیز مهارت بسیاری داشت، و هرگاه شخصی در دربار بیمار می‌شد، پرستاری از او را بر عهده می‌گرفت. اگر این نوع پرستاری را اساس این فن در آینده قلمداد نماییم، بسیار به‌جا خواهد بود. در آن زمان پذیرفته شده بود که امر تیمارداری از بیماران را زنان بسیار بهتر انجام می‌دهند. خانم ستی‌النساء پرستار بسیار خوبی بود. از شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که او پرستاری از شاهزادگان را بر عهده داشته و این کار را به خوبی انجام می‌داده است. جای تأسف است که از چگونگی تیمارداری در آن زمان بی‌خبر بوده و از اصول و کیفیت آن اطلاع چندانی نداریم.

در عهد عالمگیر، علاوه بر دهلی در شهرهای دیگر نیز بیمارستان‌های زیادی تأسیس شدند که به خدمات طبی برای مردم مشغول بودند. بیشتر مردم ثروتمند بیمارستان‌هایی از سوی خود در شهرهای مختلف بنا کرده بودند. نواب خیراندیش‌خان که خود طبیب و نویسنده چیره‌دستی بود در اتاوا بیمارستانی تأسیس کرد که علاوه بر پزشکان رسمی طبیبان هندی محلی نیز به معالجه بیماران می‌پرداختند. چنین

۱. توزک جهانگیری، رویه ۵

بیمارستان‌هایی به صورت خیریه تأسیس می‌شدند. از این رو درمان نیازمندان در آنجا به صورت رایگان انجام می‌گرفت و دارو نیز رایگان فراهم می‌گردید. بیمارستان اتاوا نیز از چنین خصوصیتی برخوردار بود. در عهد اورنگزیب اطبای برجسته دیگری نیز معالجه می‌کردند. برخی از آنها در دوران حکومت پسران وی مشغول به کار بودند. از میان آنها می‌توان شیخ حسین شیرازی را نام برد که در عهد فرخ سیر لقب حکیم الممالک به او اعطا شد. پس از آن در عهد حکومت محمدشاه منصب چهارهزاری به وی عطا شد. اگرچه پس از اورنگزیب خورشید سلطنت تیموری با سرعت رو به زوال گذاشت، اما سلاطین مغول از توجه خود نسبت به ارائه خدمات طبی به مردم کم نکردند. در عهد حکومت شاه عالم نیز حکیم اسرائیل خان طبیب شاهی بود که منصب ۶ هزار و لقب «حکیم الممالک» را به خود اختصاص داده بود.

طبییان برجسته‌ای که ذکر ایشان در دوره مغول آمده است، از فن خطیر داروسازی نیز به خوبی با اطلاع بودند. می‌توان نتیجه گرفت که در آن زمان داروسازی نیز در هر حال پیشرفت کرده بود. اگرچه در کتاب‌های تاریخی در این زمینه ذکری نشده است اما قرائنی وجود دارد که ارتقای این فن را تا اندازه‌ای مشخص می‌سازد. پزشکان به خوبی می‌دانستند که تا زمانی که ترکیبات هر دارو به نسبت معین مخلوط نشود، مزاج آن دارو مشخص نخواهد شد و تا زمانی که مزاج دارویی مشخص نگردد نمی‌توان از آن به طور مناسب استفاده کرد و اثرات مثبت آن قابل رؤیت نیست. ارزش فرهنگ دارو در گذشته همان‌گونه است که اکنون فارماکوپه از آن برخوردار است. بر اساس آن اصول داروها را ساخته و استفاده می‌کردند. علاوه بر آن از آنجا که اطبای برجسته به درمان پادشاه و افراد خانواده او می‌پرداختند، داروهای ساخته شده در داروخانه‌های ایشان از نظر فنی تحت نظر دقیق پزشکان معتمد قرار می‌گرفته است.

علامه ابوالفضل در آیین اکبری درباره روش هر عملی از خوردن و نوشیدن گرفته تا شیوه کبوتربازی ذکر آورده است. اما به شیوه استفاده از دارو که اهمیت بسیار دارد اشاره‌ای نکرده است. معنای این امر واضح و روشن است، یعنی همه مسئولیت آیین بر عهده طبیب شاهی است و هم او شخصاً مسئول این موضوع است. به‌طوری که اطبای مورد اعتماد پادشاه که در پایتخت نبودند، داروها را به صورت سر به مهر برای وی می‌فرستادند. مثلاً آب نوشیدنی پادشاه از گنگ فرستاده می‌شد. اکبر در دوران سفر همیشه آب گنگ را می‌نوشید و برای پخت و پز از آب جمنا استفاده می‌کردند. در «رقعات ابوالفضل» نامه‌ای از شیخ مینا (طبیب بزرگ و جراح عهد اکبری) وجود دارد. در آن ابوالفضل می‌نویسد: «داروی سر به مهری که شما برای حضرت ظل الهی فرستاده

بودید، در زمان مناسبی تقدیم شد. پادشاه بی‌اندازه خوشحال شد و از شما نیز یاد کرد و همان هنگام مقداری از دارو را مصرف کرد. کمی به بنده نیز عنایت فرمود»^۱.

بدیهی است دارویی که با این اهتمام برای پادشاه فرستاده شده با همان دقت توسط طبیب ساخته شده بوده است. از این امر می‌توان نتیجه گرفت که طبابت و داروسازی در آن زمان دو چیز متفاوت و جدا نبودند بلکه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این رشته زیرشاخه‌ای از طب به‌شمار می‌رفت و به آن وابسته بود. به این دلیل این فن را از افراد غیرمتخصص دور نگاه داشتند و در این دوره نشانی از عطاران یعنی فروشندگان دارو دیده نمی‌شود. دکتر برنی از در اشاره به دکن به شرح حال فروشندگان داروهای گیاهی نیز به طور حتم پرداخته است. به نظر می‌رسد که این افراد تنها به فروش داروهای غیرترکیبی مبادرت می‌کردند. علاوه بر ساخت داروها، طبیب عمل جراحی نیز انجام می‌داد و با وجود وظایف بزرگی که بر عهده داشت به این کار نیز ادامه می‌داد. به عنوان مثال می‌توان از عین‌الملک نام برد که در چشم‌پزشکی ماهر بود و به همین مناسبت به او عین‌الملک گفته می‌شد. وی دارای یک منصب ارتشی بود. با این وصف از خدمات فنی نیز غافل نبود. به همین ترتیب شیخ مقرب که از طبیبان و جراحان مشهور عهد جهانگیری و پسر شیخ مینا بود، عمل جراحی را خود انجام می‌داد. پادشاه عمل فصد خود را به‌وسیله وی انجام می‌داد. جهانگیر این موضوع را در توزک آورده است.

یک نوجوان پرتغالی تنباکو را به دربار اکبرشاه آورد. وی برای استنشاق دود آن نی گلی نیز با خود داشت. پادشاه آن را امتحان کرد اما از استنشاق دود دچار سرفه شد. همان زمان حکیم ابوالفتح گیلانی آمد و پس از معاینه دقیق تنباکو، ذائقه خوب و صحت‌بخش بودن آن را تأیید کرده و اضافه نمود که در کشیدن آن باید احتیاط کرد. لازم است که دود آن نخست از میان آب بگذرد و سپس به داخل دهان وارد شود. بنابراین قلیان چنان ساخته شده که بخشی از آن را آب فرا می‌گیرد و دود پس از گذشتن از میان آن به درون دهان می‌آید. به این ترتیب اجزای زیان‌آور تنباکو در آب باقی می‌ماند. اگرچه به ظاهر این موضوع از فن داروسازی مجزا است، اما در حقیقت نمی‌توان آن را از عملکرد (کارنامه) این فن جدا دانست. تجزیه اجزای مختلف یک ماده و تدابیر فنی در جداسازی و کاهش اجزای زیان‌آور یک ماده را می‌توان زیرشاخه داروسازی دانست.

در سال ۳۰ الهی^۱ برف و یخ هنوز به وجود نیامده بود و روش سرد کردن آب از طریق شوره انجام می‌گرفت. یک ظرف گلی را از نمک پر کرده و بر روی آن آب

۱. رقعات ابوالفضل، صفحه ۸۲

می‌پاشیدند؛ سپس آن را قطره قطره می‌چکاندند و آب به‌دست آمده را حرارت داده از خاک جدا می‌ساختند؛ آنگاه آن را منجمد می‌کردند. همین شوره بود که قیمت آن به ازای ۳ تا ۴ یک روپیه من بود.

حکیم علی گیلانی طبیب خاص اکبر بود و در سفرها نیز همواره پادشاه را همراهی می‌کرد. اگرچه در تاریخ به این موضوع اشاره نشده، اما از شواهد می‌توان دریافت که وی داروها را به همراه خود داشت که شربت‌های لذت‌آور یا به عبارتی شراب نیز جزء آن بودند؛ به طوری که این ترکیب بسیار خاصی بود که حکیم خود آن را ساخته بود. جهانگیر در توزک خود می‌نویسد:

زمانی که لشکر پدر بزرگوارم برای گوشمالی یوسف زئیون در قلعه اتک اقامت داشت، یک روز به شکار رفتم و بسیار خسته شدم. استاد علی‌قلی‌خان گفت که اگر یک پیاله شراب بنوشید همه خستگی برطرف خواهد شد. من به محمود آبدار گفتم که از حکیم علی شراب بیاورد. حکیم دو و نیم پیاله شراب شیرین زرد رنگ را در یک بطری کوچک پر کرد و فرستاد.

به طور کلی شراب شیرین نمی‌باشد. احتمالاً آن نوع خاصی از شربت بود که به جای شراب ساخته شده بود و به دلیل طعم خوب خود حالت دلدی‌زیری را نیز ایجاد می‌کرد. ممکن است که این نوشیدنی شیرین بوده باشد، چنان که جهانگیر می‌نویسد:

در عهد حکومت جهانگیر، عطر جهانگیری آماده گردید که در حقیقت عطر گل سرخ است. مخترع آن مادر نورجهان است. در حین ساختن گلاب هنگامی که آن را با کاسه بیرون می‌آوردند، بر روی آن مقداری چربی جمع می‌شد که آن را جمع‌آوری می‌کردند. این روغن به قدری خوشبو بود که با مالیدن کمی از آن به کف دست همه مجلس معطر می‌شد و چنین به نظر می‌رسید که گل سرخ‌های بسیاری شکفته شده‌اند. سلیمه سلطان بیگم نام آن را عطر جهانگیری نامید.^۱

در عهد فرمانروایی شاه‌جهان و اورنگزیب، اطبای برجسته در مواقع بسیار حساس از معجون و ماء‌الرحم و غیره برای سلاطین، اطرافیان و عزیزانشان استفاده کردند که تأثیر بسیار خوبی داشت. در آن برخی داروها اضافه می‌شد که با توجه به نوع بیماری و بیمار تجویز می‌شد.

۱. در سال ۹۹۲ هجری فتح الله تاریخ الهی را ابداع کرد. اکبر می‌خواست تا در هندوستان تاریخ جدیدی را به وجود آورد.

۲. توزک جهانگیری، رویه ۱۵۲ (ترجمه)

۳. توزک جهانگیری، رویه ۱۳۴

در دوره حکومت محمد شاه به پیشرفت داروسازی و دیگر شاخه‌های طبابت به این دلیل می‌توان پی برد که یک بیمارستان بزرگ در دهلی وجود داشت که اداره آن بر عهده حکیم قوام‌الدین خان بود. مخارج سالانه آن در حدود ۳۰۰ هزار روپیه بود. بدیهی است بیمارستانی که برای آن این مقدار هزینه شد، از مرکز داروسازی مجهزی برخوردار بوده است. اگرچه وسایل جدید داروسازی در عصر حاضر بسیار پیشرفت کرده، اما در آن دوره حتی تصور آن مشکل بود، به این دلیل اهمیت فنی این بخش بسیار لازم بود. نظام هر جامعه دارای خصوصیات ویژه‌ای است که برای بررسی نقاط قوت و ضعف آن باید به وضعیت آن توجه شود. بنابراین هرگز قادر نیستیم که ارتقای داروسازی در عهد مغول را با اصول شیمی و داروسازی در دوره جدید مقایسه کنیم.

تألیف و تصنیف کتاب‌های طبی در عهد مغول از اهمیت خاصی برخوردار است. شرح قانون از حکیم علی و دیگر تصانیف گواه این مدعا است. حکیم علی به عنوان شارح قانون از یک مقام برجسته برخوردار است. دیگر اطباء هندوستان نیز شرح قانون را نوشته‌اند. حکیم فتح‌الله این کار را در زبان فارسی انجام داد. انتقال علوم طبی از زبان عربی به فارسی در این دوره انجام گرفته است. پیش از این نیز کتاب‌های بسیاری در این زبان که زبان رسمی آن دوره بود نوشته شده بود، اما در حکومت عالمگیر کتاب‌های متعددی در زبان فارسی به رشته تحریر درآمد، تا جایی که همه کتاب‌های درسی آموزشی به این زبان تألیف می‌شد. از این نظر زبان فارسی این دوره برای طب قدیم دارای اهمیت بسزائی است. اکثر کتاب‌های مستند طبی که در کتابخانه‌های اروپا موجود است و یا در اختیار خانواده‌های قدیمی هندوستان قرار گرفته، متعلق به این دوره هستند.

در این دور نویسنده مشهوری از سرزمین دهلی برخاست که نام وی محمد اکبر ارزانی بود. وی کتاب‌های بسیار مفیدی به زبان فارسی تألیف کرده که تعداد آن قابل توجه است. این کتاب‌ها سال‌ها در مراکز آموزش طبی هندوستان تدریس می‌شد. کتاب مشهور طب در فارسی با نام «طب اکبری» در سال ۱۱۱۲ هـ ق به وسیله همین نویسنده نوشته شد که به هندی نیز ترجمه شده است. محمد اکبر ارزانی تا عهد فرخ‌سیر به نگارش کتاب پرداخت و در آغاز جلوس فرخ‌سیر (شاه عالمگیر ثانی) کتاب مشهور طب «مفرح القلوب»، که کلیات طب را دربرمی‌گیرد تألیف کرد.^۱ این کتاب شرح کتاب معروف قانونچه در عربی است.

پس از عالمگیر سلطنت مغول با سرعت بسیار زیاد رو به انحطاط نهاد و اقتدار و جلال و شکوه آن افول کرد؛ اما تصنیف و تألیف همچنان ادامه یافت. در عهد محمد شاه

۱. مفرح القلوب فارسی کشوری رویه ۳۶۳، ارزانی فرخ سیر را عالم گیر ثانی نوشته است.

و حکمرانان نزدیک به عهد وی کتاب‌های متعددی به‌وسیله حکیم علوی‌خان و حکیم کاظم علی‌خان نوشته شد. حکیم محمد اسحاق خان «غایت العلوم» و ذکاء‌الله‌خان «فرایندین ذکایی» را تألیف کرده‌اند. حکیم شریف‌خان که جد بزرگ حکیم محمد اجیل‌خان است از نویسندگان بسیار برجسته آخرین حکمرانان مغول است. بسیاری از کتاب‌های او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تاکنون برای راهنمایی اطبا مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه این روند پس از او نیز همچنان ادامه یافت، اما او را در عهد مغول شامل نمی‌کنند.

گفتنی است که طب قدیم در عهد مغول بسیار پیشرفت کرد. اما این حقیقت نیز بسیار تأسف‌آور است که طب‌های این دوره هیچ کتاب مستند، جامع و مورد اعتمادی در زبان اردو یا فارسی ننوשה‌اند. در کتاب‌های مستند تاریخی که در فارسی نگاشته شده به ذکر حالات به صورت پراکنده برمی‌خوریم که برای ارتباط آنها با یکدیگر و دریافت موضوع به تفحص و تفکر بسیاری نیازمندیم. در کتاب‌های طب‌های این دوره که در زبان اردو نوشته شده است، وقایع چندی در برخی از کتاب‌ها نگاشته شده که بیشتر آن نادرست و از اعتبار ساقط است.

چند سال پیش نگارش کتابی با عنوان «طب‌های عهد مغول» را آغاز کردم و پس از مطالعه دقیق تمام کتاب‌های تاریخی آن دوره و تکمیل و نگارش، آن را به یک ناشر سپردم و بخش کوچکی از آن نیز در مجله مشهور عالم طب «همدرد صحت» به چاپ رسید. پس از چندی ناشر کتاب به دلایلی از چاپ آن امتناع ورزید. سپس آن را به یک ناشر مشهور پاکستان دادند که در کراچی این کار را بسیار خوب انجام می‌داد. او نیز تا مدت ۵ سال تمایلی به انجام این کار نشان نداد. بنا به درخواست بنده جناب حکیم حافظ محمد سعید صاحب دهلوی به چاپ و انتشار این کتاب علاقه‌مند شد و آن را برای «همدرد آکادمی» انتخاب کرد. وی در دوران مدیریت «همدرد صحت» (در زمان اقامت در دهلوی) نیز به این کتاب توجه فراوانی نشان داد. اکنون این کتاب به دلیل علاقه ایشان بدین صورت در اختیار شما قرار گرفته است.

به اطلاع می‌رسانم که از دوازده سال پیش کتاب «طب‌های عهد مغول» به اسم ایشان منسوب شده بود و دلیل آن این بود که وی از آغاز به طب و امور مربوطه علاقه و دلبستگی خاصی داشت. ایثار و ذکاوت از خصوصیات موروثی وی بود. علاوه بر آن اراده، همت و استقلال از خصوصیات شخصیتی وی محسوب می‌شدند. به همین دلیل است که مرکز طبی چنین با عظمت، همراه با میلیون‌ها روپیه ارث که وقف آن شده و از سوی دیگر یک کالج پزشکی نیز که از مدتی قبل به آن ملحق شده است؛ زیر نظر وی

اداره می‌شود. نه تنها برای استواری و پیش‌برد عظمت طبی و میراث گذشته آن در هند و پاکستان بلکه جهت پیشبرد آن نام داروخانه همدرد و همچنین نام مدیر فداکار آن حکیم حاجی محمد عبدالحمید (در هندوستان) و برادر کوچک وی حکیم حاجی حافظ محمد سعید (در پاکستان) همیشه زنده و روشن باقی خواهد ماند.

در کتاب «اطبای عهد مغول» بیشتر به آن عده از طبیبان و پزشکان هندی پرداخته شده که در خدمت حکومت بودند. ذکر مختصر برخی از اطبایی نیز آورده شده که به پادشاه مغول و یا امیری دیگر وابسته بوده‌اند. شرح احوال با احتیاط فراوان و استناد تاریخی نگاشته شده است. جای تردید نیست که در زبان اردو موضوع این کتاب کاملاً منحصر به فرد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «اطبای عهد مغول» نخستین کتابی است که در آن شرح حال پزشکان شبه قاره هند و پاکستان که در عهد مغول می‌زیسته‌اند، جمع‌آوری شده است.

بی‌شک کارشناسان این رشته به تلاش بنده در این زمینه به دیده احترام خواهد نگریست و این کتاب مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد. اطبا در تمدن (روایات) فرهنگ، پزشکی، تغییرات اجتماعی، سیاسی و دشوری شبه قاره نقش بسیار مهمی را ایفا کرده‌اند. آثار ایشان در تاریخ از عمق بسیار زیادی برخوردار است و این، درخشش و زیبایی زوال‌ناپذیر خواهد بود، این کتاب بیانگر این حقیقت است. به عقیده من کتاب «اطبای عهد مغول» باید به عنوان یک کتاب آموزشی در مراکز آموزش پزشکی مورد استفاده قرار بگیرد تا دانشجویان پزشکی نسبت به پیشرفت تدریجی و وقایعی که در این رشته در کشور آنها رخ داده مطلع گردند.

کوثر چاندپوری
بهوپال (هندوستان)
۹ اکتبر ۱۹۵۸ م